

احتیاط در حقوق بین‌الملل: اصل عرفی یا اصل کلی حقوق؟

عباسعلی کدخدایی^۱ - اسما سالاری^۲

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۰

چکیده

سال‌ها طول کشید تا جامعه بشری درک کند که علم توان شناخت کامل تهدیدات زیست‌محیطی را ندارد و واکنش پسینی به چنین تهدیدهایی، ضررهای جبران‌ناپذیر به بار خواهد آورد. حصول درک اجمالی به آسیب‌پذیری محیط‌زیست و محدودیت‌های دانش در تعیین ریسک‌های نامعلوم، زمینه‌ساز ظهور و بروز اصل احتیاط شد که از حقوق داخلی ریشه گرفت و در حال رشد و بالندگی در عرصه بین‌الملل است. گستردگی استناد به اصل در قلمروهای مختلف حقوق بین‌الملل و با عبارت‌پردازی‌های متفاوت، مباحثات مفصلی میان اندیشمندان حقوقی را موجب شده است؛ به‌نحوی که موضوعی واحد در خصوص وضعیت حقوقی اصل ندارند و برخی آن را اصلی عرفی دانسته و گروهی اصل کلی حقوق برمی‌شمارند. در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، ابعاد مختلف جایگاه حقوقی اصل، در خلال طرح نظرات متفاوت و بیان وضعیت اصل در قوانین داخلی، اسناد و آرای بین‌المللی، مورد بحث قرار می‌گیرد و پاسخ مقتضی به سؤال مطرح در عنوان مقاله ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: اصل احتیاط، حقوق بین‌الملل، اصل عرفی، اصل کلی حقوق، مراجع قضایی بین‌المللی

۱. مقدمه

اصل احتیاط از آغاز پیدایش تاکنون، در قالب‌های مختلف و اسنادی با تأثیر متفاوت حقوقی در نظام حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورها دیده شده است؛ گاه در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مجامع و اجلاس‌های بین‌المللی، گاه در کنوانسیون‌های لازم‌الاجرا، زمانی مؤلفه‌ای از سیاست‌های کلان یک کشور شده و گاه یک ماده از قانون داخلی یک دولت. جدای از اینکه اصل در چه قالب حقوقی ظهور یابد، حوزه موضوعی متأثر از آن نیز بسیار متفاوت و گسترده است؛ آلودگی محیط‌زیست دریایی، آلودگی هوا، ایمنی زیستی، ایمنی غذایی و سلامت انسانی.

تنوع زمینه‌ها و قالب‌های میزبان اصل، زمینه‌ساز اختلاف نظر در خصوص وضعیت حقوقی اصل و مفهوم آن شده است. صورت‌بندی‌های متفاوت از اصل، تفاوت در ارکان هر تعریف و ابهام در معنای واژگان به کاررفته در عبارت‌پردازی‌ها باعث شده است اصل احتیاط در دید صاحب‌نظران، در طیفی از یک رویکرد سیاست‌گذاری تا اصل عرفی حقوق بین‌الملل در رفت‌وآمد باشد و حتی برخی را (رمضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۷۷) بر آن دارد که تا قوام‌یافتگی ابعاد اصل موضوعی اتخاذ نکنند.

در این پژوهش تلاش می‌شود به‌رغم تشتت آراء و نبود توافق بر جایگاه حقوقی اصل احتیاط، جنبه‌های مختلف مسئله مورد بحث و بررسی قرار گیرد و نظری صائب ارائه گردد. با توجه به مناقشه مستمر و جدی میان دکترین بر عرفی بودن یا نبودن اصل، تمرکز این نوشتار بر نظرات مخالف و موافق چنین وضعیتی خواهد بود و در قالب بیان نظر دو طرف، موقعیت اصل در اسناد و رویه قضایی بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام‌های حقوق داخلی دولت‌ها نیز تبیین می‌شود. در ادامه، در خصوص اصل کلی حقوق بودن احتیاط سخن رانده می‌شود و در پایان، نتیجه مقتضی ارائه خواهد شد.

۲. مفهوم اصل احتیاط

منشأ اصل احتیاط را می‌توان در زمانی یافت که مفروضات «رویکرد ظرفیت جذب»^۱ به کنار گذاشته شد. رویکرد مذکور معتقد بود که علم به گونه‌ای صحیح ظرفیت جذب محیط زیست (آن مقداری از آلودگی که محیط زیست دریافت و بدون آسیب‌دیدگی در خود پاک‌سازی می‌کند) را تعیین کرده و هنگامی که این مقدار مشخص شود، زمان کافی برای انجام اقدام

1. Assimilative capacity Approach.

پیشگیرانه وجود دارد. وقتی مشاهده شد که پیشرفت‌های کنترل‌ناپذیر فناوریانه، خطرات جدی و جبران‌ناپذیری به محیط‌زیست وارد می‌کند و علم با همان سرعت توان شناخت کامل و دقیق این اثرات مخرب و ارائه طرق مقابله با آن‌ها را ندارد، ایده ظرفیت جذب از کانون توجه خارج و رویکرد احتیاطی جایگزین گردید (McIntyre & Mosedale, 1997: 235). نخستین نمود حقوقی اصل احتیاط را باید در حقوق آلمان و در تأسیس حقوقی^۱ Vororsorg e prinzip جستجو کرد که توسط دولت سوسیال‌دموکرات این کشور در دهه هفتاد میلادی و به هنگام مواجهه با باران‌های اسیدی و خشکی جنگل‌ها مطرح شد. ورود اصل به اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور بین‌المللی از دهه هشتاد آغاز شد و با انعکاس در اصل ۱۵ اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون محیط‌زیست و توسعه^۲ -ریو- به شرح زیر اعتبار جهانی یافت:

«برای حفاظت از محیط‌زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود رویکرد احتیاطی را به‌طور وسیعی اعمال کنند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا برگشت‌ناپذیر، نبود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر جهت جلوگیری از ورود صدمه به محیط‌زیست شود.»

مشکل از آنجا شروع شد که فزونی یافتن استناد به اصل در اسناد متعدد، باعث نشد یک تعریف ثابت از آن تکرار گردد و در عوض، عبارات و ارکان هر تعریف متفاوت از دیگری شکل گرفت. به‌طور مثال اگر اعلامیه ریو و کنوانسیون تغییرات اقلیمی به‌صورت سلبی عبارت‌بندی شده‌اند و دولت‌ها نمی‌توانند با توسل به بهانه عدم قطعیت از واکنش مناسب بگریزند، بیانیه وینگسپرید^۳ به نحو ایجابی، لزوم اتخاذ اقدام احتیاطی را در موقعیت مربوطه مقرر می‌کند. پروتکل ایمنی زیستی و موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی سازمان جهانی تجارت نیز در میانه این دو طیف، از اصل احتیاط، جواز اقدام را نتیجه می‌گیرند. به همین ترتیب؛ اگر شدت و جبران‌ناپذیری صفت‌های خسارت محتمل در اعلامیه ریو هستند در کنوانسیون ۱۹۹۲ دریای بالتیک^۴ هیچ آستانه‌ای برای خسارت تعیین نمی‌شود.

۱. معنی لغوی vorsorge، توجه و مراقبت پیشاپیش همراه با نگرانی است. این مفهوم مقرر می‌دارد که اگر عقل و علم انداز دادند که اقدامی ممکن است منجر به ورود ضرر شود، دولت وظیفه دارد که رفتار جامعه را با اقتناع یا تنظیم قاعده تغییر دهد (Feintuck, 2005: 374).

2. UN Conference on Environment and Development

۳. «وقتی یک فعالیت باعث تهدیدی به ورود ضرر به سلامت انسانی یا محیط‌زیست شود، اقدام احتیاطی اتخاذ می‌شود اگرچه برخی روابط علی-معلولی از نظر علمی اثبات نشود. در این وضعیت، طرفدار انجام فعالیت، بار اثبات را بر عهده دارد.»

۴. وقتی که دلیلی وجود دارد که وجود برخی مواد یا انرژی ایجادشده در محیط‌زیست دریایی ممکن است ضرری به سلامت

با وجود این ابهامات، استناد و اعمال اصل در قوانین داخلی، اسناد و آرای بین‌المللی هر روز بیشتر از قبل می‌شود و این معنا را می‌رساند که به‌رغم تمام تفاوت‌ها در تعاریف ارائه شده از اصل احتیاط، هسته و منطق اصل، امر روشنی است که مقرر می‌دارد در برابر ریسک‌های مبهم، قبل از اثبات روابط علی- معلولی میان عمل و خسارت محتمل، اقدام شود. اکنون که شمایی کلی از ابهام پیرامون وضعیت حقوقی اصل احتیاط در حقوق بین‌الملل ارائه شد، به بیان دلایل له و علیه عرفی بودن اصل می‌پردازیم و سپس امکان متصف شدن به وصف اصل کلی حقوق را برای آن بررسی می‌کنیم.

۳. وضعیت عرفی

بند ب (۱) ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، حقوق بین‌الملل عرفی را به‌عنوان دلیلی بر رویه عمومی دولت‌ها دانسته است که به‌عنوان حقوق پذیرفته شده است.^۱ دیوان در آراء فلات قاره دریای شمال و نیکاراگوئه دو رکن عرف را تبیین کرده است. بر این اساس، حقوق بین‌الملل عرفی زمانی شکل می‌گیرد که دولت‌ها یک رویه را در سطحی گسترده و به‌صورت متحدالشکل پی می‌گیرند و اعتقاد دارند طبق حقوق بین‌الملل چنین عملی الزامی است (ICJ Rep, 207: 1986, ICJ Rep, 77: 1969). این رویه لازم نیست توسط همه دولت‌ها و به‌طور کاملاً یکسان متابعت شود (ICJ Rep, 186: 1986). معیارهای تشخیص عمل و پذیرش دولت نیز متفاوت است؛ معاهدات، بیانیه‌ها، تصمیمات مراجع قضایی داخلی و بین‌المللی، کنفرانس‌های خبری، تصمیمات اجرایی، نظرات مشاوران حقوقی، مکاتبات دیپلماتیک، نظرات و بیانیه‌های دول در جریان مذاکرات انعقاد معاهدات، رویه ارگان‌های سازمان بین‌المللی و... که البته بهترین نشانگر عرف، اسناد حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی دولت‌ها است. نکته جالب آن است که نشانگرهای وجود رویه، برای درک و تأیید وجود عنصر معنوی یعنی اعتقاد به الزام نیز مورد توجه قرار می‌گیرند

انسانی یا منابع زنده دریایی یا اکوسیستم دریایی بزند یا در دیگر استفاده‌های مشروع از دریا اختلال ایجاد می‌کند باید اقدامات پیشگیرانه اتخاذ کرد اگرچه دلیل علمی قطعی برای رابطه علی- معلولی میان مواد و آن اثرات وجود نداشته باشد.»

۱. بیشتر حقوقدانان اعتقاد دارند نحوه نگارش این بند ایراد ماهوی دارد؛ چراکه به بیان آنزیلوتی، عبارت‌بندی فوق صحبت از حقوق عرفی به‌عنوان دلیلی بر رویه عام که به‌عنوان حقوق پذیرفته شده، کرده است درحالی که دقیقاً برعکس آن است و رویه‌ای که به‌صورت عام پذیرفته شده است منجر به شکل‌گیری حقوق عرفی خواهد شد. انتقاداتی مشابه توسط ماکوسکی، هودسن و شوارزبرگر مطرح شده است. برای توضیحات بیشتر بنگرید؛

زر نشان، شهرام، (۱۳۹۰)، نقش رویه قضایی بین‌المللی در شناسایی قواعد عرفی، پایان‌نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، صص. ۲۹ و ۳۰.

چراکه دولت موجودی انتزاعی و فاقد درک و شعور انسانی است؛ در نتیجه برای شناسایی باور و اعتقاد آن، باید بر اقدامات نمایندگانش متمرکز شد (زر نشان، ۱۳۹۰: ۱۶۴). اکنون که کلیاتی ضروری از شکل‌گیری عرف ارائه شد، به بیان ادله موافقین و مخالفین وضعیت عرفی برای اصل احتیاط می‌پردازیم.

۴. مخالفین وضعیت عرفی

مهم‌ترین و اولین نقد این گروه از حقوقدانان، وجود بیش از ۱۴ نوع صورت‌بندی از اصل احتیاط در اسناد مختلف بین‌المللی است (Bodansky, 2004: 382)، به طوری که ارکان عبارت پردازی‌ها متفاوت است و حتی بر سر معنای هر رکن هم اتفاق نظری وجود ندارد. در یک سند، شرط اتخاذ اقدام احتیاطی، انجام تحلیل هزینه-منفعت است اما در سندی دیگر اشاره‌ای به ضرورت انجام این تکنیک نمی‌شود. در یک تعریف، بار اثبات بر عهده خواننده است و در دیگری با خواهان. واژگان دخیل در تعاریف آن قدر کلی و مبهم هستند که تاب هرگونه تفسیری را دارند (Sandin, 2002: 288) از موارد ماهوی نیز که بگذریم حتی بر نامیدن این تأسیس حقوقی، اجماع وجود ندارد و چنانچه اشاره رفت برخی آن را اصل و دیگران رویکرد می‌خوانند. منتقدین این گونه ادامه می‌دهند که بخش عمده‌ای از اسناد بین‌المللی که اصل احتیاط را در خود جای داده‌اند، غیرالزام‌آور هستند و نمی‌توانند نشانی از پذیرش این مفهوم حقوقی توسط دولت‌ها باشند. در خصوص اسناد الزام‌آور نیز باید توجه کرد که ادبیات آن‌ها به گونه‌ای محکم و قوام‌یافته نیست که تردیدها را نسبت به معنا و وضعیت حقوقی اصل برطرف کند. مثلاً، عبارت پردازی مندرج در کنوانسیون تغییرات اقلیمی این تردید را ایجاد می‌کند که آیا بر اعضا تعهدی حقوقی مستقر شده است؛ چراکه واضح نیست منظور از جمله «دولت‌ها باید راهنمایی شوند»، چیست و یا در این کنوانسیون از کلمه Should استفاده شده است و نه Must. در تفاوت این دو فعل کمکی گفته شده است که Must تکلیفی را ایجاد می‌کند و دربردارنده این نکته است که فعل همراه با آن قطعاً محقق می‌شود اما فعل همراه با Should ممکن است رخ ندهد. به همین صورت در کنوانسیون تنوع زیستی قیدهایی آمده که اجرا و تفسیر اصل را دچار مشکل می‌کند. در این سند اجرای اصل به توانمندی‌ها و امکانات دولت‌ها گره خورده و تا میزانی که ممکن و مناسب باشد. این عبارات، قدرت هنجاری ماده را کاهش می‌دهد و برخی حقوقدانان را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که اصل احتیاط تا برخورداری از قدرت لازم الاجرائی کافی، فاصله‌ای

بسیار دارد و در بهترین حالت می‌تواند به‌عنوان یک اصل شکلی باشد که به دولت‌ها در انجام تعهداتشان کمک می‌کند (مرادی، ۱۳۹۲: ۸۲).

دیگر دلیل منکران وضعیت عرفی، امتناع دیوان بین‌المللی دادگستری از اعطای وصف عرفی به اصل احتیاط و حتی ارائه هرگونه اظهارنظر درباره آن، به‌رغم استناد اصحاب دعوی است. این مسئله به‌خصوص از دید کسانی که شناسایی عرف توسط دیوان بین‌المللی دادگستری را، سومین عنصر مقوم آن می‌دانند، حائز اهمیت است. به نظر آن‌ها، نظر دیوان از این جهت تعیین‌کننده است که مرجع مذکور در فرآیند احراز عرف، در کنار رویه و اعتقاد حقوقی ملاحظاتی دیگر مانند نظم، عدالت و خیر مشترک را نیز در نظر دارد و سپس دست به انتخاب قاعده می‌زند و با اعلام نظر قاطع، آن را تثبیت می‌کند (فلسفی، ۱۳۸۹: ۴۴). بحث بر سر اینکه چنین دیدگاهی، نوعی قانون‌گذاری قضایی و افزودن رکنی به ارکان تشکیل‌دهنده عرف است یا صرفاً جنبه اعلامی دارد، مطلبی است که از حوزه این نوشتار خارج است. در مجموع؛ این اندیشمندان با توجه به مطالب ذکرشده نتیجه می‌گیرند که اصل احتیاط وضعیت عرفی ندارد.

با توجه به طرح موضع دیوان نسبت به اصل احتیاط در ادله مخالفین، فرصت را غنیمت شمرده و در همین جا اشاره‌ای به قضایای مربوطه خواهیم کرد.

۵. دیوان بین‌المللی دادگستری

قضیه آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه: در این پرونده نیوزلند که به انجام آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در اقیانوس آرام معترض بود، به اصل احتیاط به‌عنوان اصل حقوق بین‌الملل استناد کرد و بیان داشت که این اصل، موجب تغییر بار اثبات دعوا می‌شود و این خوانده است که باید ثابت کند که آزمایش‌هایش موجب انتشار مواد رادیواکتیو در دریا و آلودگی آن نمی‌شود. نیوزیلند در ادامه مدعی شد که باید بر اساس اصل احتیاط، ارزیابی اثر زیست‌محیطی در خصوص فعالیت‌های فرانسه صورت پذیرد (ICJ Rep, 1995: 8-36). دیوان در خصوص اصل احتیاط مطلبی مطرح نکرد و به‌طور کلی، در ماهیت اختلاف وارد نشد.

قضیه گابچیکوو-ناگیماروس: موضوع این پرونده، اختلاف مجارستان و اسلواکی در مورد اجرا و خاتمه عهدنامه بوداپست ۱۹۷۷، مربوط به اجرای پروژه زنجیره‌ای گابچیکوو-ناگیماروس، بود. از جمله استدلال‌ها و توجیحات مجارستان در این قضیه، می‌توان به حمایت از

محیط‌زیست و رعایت اصل احتیاط اشاره کرد. مجارستان از اجرای پروژه با این ادعا که عملیات مذکور موجب خسارات شدید به محیط‌زیست و منابع آبی این کشور می‌شود، خودداری و عهدنامه ۱۹۷۷ را خاتمه یافته تلقی کرد. دیوان در خصوص اصل احتیاط به‌طور خاص، تنها اظهار داشت که مجارستان اختتام موافقت‌نامه فی‌مابین را بر این اصل مبتنی کرده و از آن توافقنامه برمی‌آید که طرفین بر لزوم توجه ویژه به نگرانی‌های زیست‌محیطی و اقدامات احتیاطی نظر داشته‌اند لکن در اثر مربوط به آن اختلاف نظر دارند (ICJ Rep, 1997: 113). دیوان در ادامه، موضع خاصی در رد یا قبول این مطلب اتخاذ نکرد و تنها در بیانی کلی اعلام داشت که در حوزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، هنجارها و معیارهای جدیدی توسعه یافته که در اسناد متعددی در دو دهه گذشته به آن‌ها اشاره شده است. چنین هنجارهایی باید مدنظر قرار گیرند و به چنین معیارهایی باید ارزش مناسبی داد (ICJ Rep, 1997: 111-114 & 140).

قضیه خمیرکاغذ: موضوع اختلاف آرژانتین و اروگوئه به یک پروژه تولید کاغذ در مجاورت رودخانه اروگوئه برمی‌گردد که آرژانتین با ادعای نقض تعهدات ناشی از معاهده دوجانبه (معاهده ۱۹۷۵) توسط اروگوئه، خواستار توقف فعالیت کارخانه‌ها به دلایل مختلف از جمله حفظ سلامت عمومی و محیط‌زیست بود. به‌زعم آرژانتین، طرفین علاوه بر تعهد به پیشگیری، به موجب اصل احتیاط باید آن دسته از خطرات غیرقطعی را نیز در نظر گیرند که در مراحل طراحی، آماده‌سازی، اجرای پروژه‌ها و هرگونه بهره‌برداری از رود اروگوئه و فضای اطراف آن مطرح می‌شود. البته به نظر این دولت، در اجرای اقدامات احتیاطی، تحلیل هزینه-منفعت نیز باید اعمال گردد (Memorial Argentina, 2007: 3.194-3.197). در خصوص اصل احتیاط، در رأی دیوان دو نکته ملاحظه می‌شود؛ از سویی دیوان علی‌رغم تأیید ارتباط اصل احتیاط در تفسیر و اعمال اساسنامه (ICJ Rep, 2010: 255)، به‌صورت ضمنی برای اعمال اصل یادشده آستانه بالایی را در نظر گرفت (ICJ Rep, 2010: 257) و برخلاف تأیید وضعیت عرفی برای اصل پیشگیری (ICJ Rep, 2010: 101) از تصدیق چنین عنوانی برای اصل احتیاط اجتناب - ورزید. از سوی دیگر تأکید کرد که این تأسیس تأثیری بر تغییر بار اثبات دعوا ندارد (ICJ Rep, 2010: 162-164).

۶. موافقین وضعیت عرفی

حقوقدانانی که مدافع وضعیت عرفی برای اصل احتیاط‌اند، تلاش می‌کنند از جنبه‌های مختلف

ارائه دلیل نمایند. اصل یا رویکرد.

اندیشمندان مذکور در گام نخست برآنند که ابتدایی‌ترین نقد نسبت به اصل را برطرف سازند که همانا؛ نبود اجماع در نامیدن این مفهوم حقوقی است.

واقعیت آن است که در ادبیات حقوقی و اسناد بین‌المللی عنوان ثابتی در خطاب قرار دادن تأسیس مورد بررسی وجود ندارد و عباراتی مختلف چون اصل احتیاط، رویکرد احتیاطی، اصول احتیاطی و حزم و احتیاط به کار می‌رود. گروهی مانند نویسندگان حوزه سیاست‌گذاری و دولت ایالات متحده با استفاده از لفظ رویکرد، به دنبال تأکید بر اثر حداقلی یا نفی هرگونه اثر حقوقی برای احتیاط هستند. دولت مذکور در قضایای هورمون- جامعه اروپا، محصولات کشاورزی- ژاپن، سیب- ژاپن و محصولات زیست‌فناوری- جامعه اروپا در رکن حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت بارها تأکید کرده که آنچه وجود دارد تنها رویکرد احتیاطی است که محتوای آن از سیاقی به سیاق دیگر فرق می‌کند (WTO, EC- Hormones Case, 1998: 43).

در مقابل، نویسندگانی چون هی، فریستون و بیرنی تفاوتی میان دو کلمه اصل و رویکرد در نظر نمی‌گیرند و آن را تنها بخشی از نام آن می‌دانند (De Sadeleer, 2002: 92). از مستندات پشتیبان نظر گروه دوم، می‌توان به برخی اسناد بین‌المللی اشاره کرد. در ماده ۱۵ اعلامیه ریو، پروتکل ۱۹۹۶ لندن ملحق به کنوانسیون دامپینگ و کنوانسیون آلاینده‌های آلی پایدار از رویکرد احتیاطی استفاده شده است اما کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریایی شمال شرق آتلانتیک، معاهده هلسینکی در حفاظت از محیط‌زیست دریایی بالتیک و کنوانسیون بارسلونا راجع به حفاظت از مدیترانه به اصل احتیاط ارجاع داده‌اند. در برنامه ۱۹۹۷ سازمان ملل جهت اجرای دستور کار ۲۱، با استعمال «اصل احتیاط» به اصل ۱۵ بیانیه ریو ارجاع می‌دهد که چنانچه اشاره شد، در آن سند ترکیب رویکرد احتیاطی به کار رفته است. در کنوانسیون باماگو با موضوع منع ورود زباله‌های خطرناک به آفریقا، هر دو عبارت اصل احتیاط و رویکرد احتیاطی در ماده ۴ آن آمده است. در پروتکل کارتاها در مقدمه از عبارت رویکرد احتیاطی استفاده شده اما مواد ۱۰ و ۱۱، منطبق و مفاد اصل احتیاط را منعکس ساخته‌اند.

سیرینسکین در توجیه این تفاوت‌ها بیان می‌دارد که تردیدها در خصوص اصل و رویکرد بودن احتیاط، بیشتر در نظام‌های آنگلو ساکسون مطرح است و نظام‌های قاره‌ای و حقوق اتحادیه اروپا، تفاوت مشخصی میان رویکرد، اصل و اقدام نمی‌گذارند و آن‌ها را به جای هم برای واژه

احتیاط به کار می‌برند. این بی‌تفاوتی در کاربرد واژه‌ها به وضوح در ابلاغیه سال ۲۰۰۰ اتحادیه اروپا دیده می‌شود که در آن علی‌رغم استفاده از لفظ رویکرد، احتیاط را یک اصل قوام‌یافته و اصل کلی حقوق دانسته است (Sirinskiene, 2009: 353, 354).

مدافعین وضعیت عرفی در نهایت نتیجه می‌گیرند که اگر بخواهیم از منظر حقوقی به مسئله بنگریم برای ما لفظ به کار رفته به ذات اهمیت خاصی ندارد؛ مهم آن است که بدانیم اثرات عملی که در عالم حقوق به این عنوان اعطاء می‌شود، چگونه است.

۷. تجلی اصل در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای (اتحادیه اروپا)

اندیشمندان مذکور در ادامه با توجه به معیارهای شناخته‌شده در احراز عرف، به دنبال اثبات وجود رویه و اعتقاد حقوقی دول می‌روند. آن‌ها خاطر نشان می‌کنند که علی‌رغم عمر کوتاه اصل احتیاط، بیش از پنجاه توافقنامه حقوقی الزام‌آور و چهل سند غیر الزام‌آور به آن ارجاع داده‌اند (VanderZwaag, 2013: 617).

بیانیه وزرای برمن^۱ ۱۹۸۴، منشور جهانی طبیعت^۲، کنوانسیون ۱۹۸۵ وین در حفاظت از لایه ازن^۳، بیانیه لندن^۴، تصمیمات کمیسیون‌های اسلو (توصیه ۲۲ جون ۱۹۸۹) و پاریس (تصمیم ۸۹/۱ سال ۱۹۷۴)، کنوانسیون آمادگی، همکاری و مقابله با آلودگی نفتی (مقدمه)، کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریایی شمال شرق آتلانتیک (شق الف بند ۲ ماده ۲)، کنوانسیون هلسینکی در حفاظت و بهره‌برداری از آب‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی (بند ۵ ماده ۲)، کنوانسیون سوفیا در حفاظت و استفاده پایدار از دانوب (بند ۴ ماده ۲)، اصلاحیه کنوانسیون بارسلون در حفاظت از دریای مدیترانه در برابر آلودگی (شق الف بند ۳ ماده ۴)، کنوانسیون روتردام در حفاظت از راین (ماده ۴)، کنوانسیون حفاظت از ذخایر ماهی‌های مهاجر و دوکاشانه (بند ۲ ماده

۱. با آگاهی از اینکه آسیب به محیط‌زیست دریایی می‌تواند برگشت‌ناپذیر باشد یا جبران آن با هزینه‌ای گزاف و در دوره زمانی طولانی انجام گیرد، دول ساحلی و جامعه اقتصادی اروپا نباید منتظر اثبات اثرات مضر، قبل از اتخاذ اقداماتشان شوند.
۲. باید اقدامات موجد ضرر احتمالی بررسی شوند و متقاضیان انجام این اعمال، اثبات کنند که منافع موردانتظار بر خطرات احتمالی آن برتری می‌یابد. همچنین هنگامی که مضرات احتمالی قابل درک نیست، اقدامات نباید ادامه یابند.
۳. اولین معاهده‌ای است که به فحوی اصل اشاره کرده و اقدامات احتیاطی توسط دول عضو را در سطح ملی و بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد.

۴. این بیانیه که حاصل کنفرانس دوم حفاظت از دریای شمال در ۱۹۸۷ بود، نخستین سندی است که پذیرش بین‌المللی عبارت «رویکرد احتیاطی» را ارائه کرد و داشتن رویکرد موصوف جهت حفاظت از محیط‌زیست دریای مذکور از اثرات مخرب احتمالی مواد خطرناک را ضروری می‌داند.

۶)، اعلامیه غیر الزام آور وزرای برگن^۱، پروتکل مونترال و اصلاحات بعدی آن، اعلامیه ریو، کنوانسیون تغییرات اقلیمی ۱۹۹۲ (بند ۳ ماده ۳)، مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) و پروتکل ایمنی زیستی (بند ۶ ماده ۱۰) از مهمترین اسنادی هستند که اصل احتیاط در آنها تجلی یافته است.

در سطح منطقه‌ای نیز معاهده ماستریخت اصل احتیاط را جزو حقوق محیط زیست اتحادیه اروپا گردانیده و مراجع قضایی این گستره، اصل را به دو قلمرو سلامت عمومی و حمایت از مصرف کننده تعمیم داده‌اند. غیر از بند دوم ماده ۱۹۱ معاهده کارکرد^۲، اصل احتیاط در اسناد سخت و نرم متعددی در اتحادیه منعکس شده است که به صورت مختصر به چند مورد اشاره می‌کنیم. ابلاغیه ایمنی غذایی و سلامت مصرف کننده مصوب آوریل ۱۹۹۷^۳، ابلاغیه کمیسیون در سال ۲۰۰۰^۴، آیین نامه ۱۷۸/۲۰۰۲ با موضوع شرایط و اصول کلی حقوق غذایی اتحادیه^۵، مواد ۱ و ۳ آیین نامه ۱۹۰۷/۲۰۰۶ با عنوان ثبت، ارزیابی، تجویز و محدودیت بر مواد شیمیایی^۶، دستورالعمل پیشگیری یکپارچه آلودگی و کنترل^۷، آیین نامه ۱۱۰۷/۲۰۰۹ مربوط به

۱. اعلامیه مذکور که در کنفرانسی به ابتکار کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا تنظیم و با موافقت ۳۴ دولت شرکت کننده روبرو شد، در بند ۷ خود، اصل احتیاط را به مفهوم توسعه پایدار پیوند زد.
۲. بند یادشده خاطر نشان می‌سازد که سیاست اتحادیه در حوزه محیط زیست باید به دنبال بالاترین سطح حفاظت و مبتنی بر اصل احتیاط و پیشگیری باشد.
۳. این سند بیان داشت که در موارد عدم قطعیت یا ناکافی بودن مبانی علمی، کمیسیون در تحلیل ریسک به وسیله اصل احتیاط راهنمایی خواهد شد.
۴. ابلاغیه موصوف توپیر رویکرد اتحادیه در قبال اصل را وارد مرحله جدیدی کرد چرا که تلاش کرد چارچوبی معقول و متوازن جهت اعمال اصل ارائه کند و در عین حفاظت از محیط زیست و سلامت عمومی، از حمایت گرای و دخالت غیر ضرور در آزادی‌ها و حقوق افراد، سازمان‌ها و صنایع پرهیزد. طبق این سند، اصل احتیاط تصمیمی سیاسی است. قبل از اتخاذ تصمیم احتیاطی، تمامی دلایل علمی موجود در خصوص یک ریسک قابل تعیین (و نه فرضی) و آثار مضر محتمل آن بررسی می‌شوند، اصول تناسب، منع تبعیض و یکپارچگی حقوقی رعایت می‌گردد، تحلیل کلی هزینه-منفعت از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی در ابعاد کوتاه و بلندمدت صورت می‌پذیرد و در نهایت اقدامی آگاهانه، معقول و غیر خودسرانه اتخاذ می‌شود. تصمیم اتخاذی می‌تواند در طیفی گسترده از اقدام تا عدم اقدام باشد که البته در این تصمیم گیری، اصول تناسب، منع تبعیض، مقرون به صرفگی بر اساس تحلیل هزینه-منفعت، یکنواختی (با تصمیمات اتخاذی در موارد مشابه) و در نظر گرفتن مستمر پیشرفت‌های علمی لحاظ خواهد شد. تصمیمات مذکور، در پرتو دلایل علمی جدید قابل بازنگری خواهند بود. (Summary of the Communication from the Commission on the precautionary Principle, 2001: 5, 6).
۵. این آیین نامه ضمن اعلام اصل احتیاط به عنوان اصل کلی حقوقی اتحادیه در حوزه یادشده، شرایط اعمال آن را در بندهای ۱ و ۲ ماده ۷ خود بدین گونه بیان کرده است: انجام ارزیابی ریسک؛ امکان سنجی ورود ضرر بر سلامت عمومی علی‌رغم عدم قطعیت علمی؛ اتخاذ اقدامات موقت؛ در نظر گرفتن سطح بالای حفاظت از سلامت و تناسب (شدنی بودن اقدامات اتخاذی از نظر فنی و اقتصادی و نبود جایگزین‌هایی که محدودیت کمتری بر روابط تجاری وارد می‌کنند).
۶. مواد یادشده تصریح می‌کنند که این مصوبه بر اصل احتیاط مبتنی است و بار اثبات اولیه بی‌ضرری، بر تولیدکنندگان و واردکنندگان محصولات موضوع این آیین نامه قرار دارد.
۷. در ضمیمه ۴ این دستورالعمل مقرر شده است که هنگام تعیین بهترین فناوری در دسترس جهت صدور مجوز فعالیت

آفت‌کش‌های محافظ محصولات^۱ و آیین‌نامه جدید زیست‌کش‌ها^۲، ۵۲۸/۲۰۱۲. مدافعین وضعیت عرفی در این مقام نتیجه می‌گیرند که تعداد قابل توجه امضاء و تصویب اسناد پیش‌گفته، بیانگر پذیرش گسترده اصل و حداقل، حرکت آن به سمت شکل‌گیری قاعده عرفی است (Sands, Peel, 2012: 228).

۸. اصل احتیاط در حقوق داخلی دولت‌ها

نشانه‌گر بعدی عرفی بودن اصل، ارجاع به آن در حقوق داخلی دولت‌هاست. اصل احتیاط در حقوق محیط زیست آلمان^۳، بلژیک^۴، سوئد^۵، استرالیا^۶، کانادا^۷ و فنلاند^۸ پذیرفته شده است. این مفهوم حقوقی در سال ۲۰۰۵ در مقدمه قانون اساسی فرانسه وارد گردید^۹ و اکنون بخشی از منشور زیست‌محیطی قانون اساسی این کشور را تشکیل می‌دهد. به علاوه، رابطه اصل ۱ و ۵ قانون اساسی فرانسه، امکان گسترده شدن حوزه اعمال اصل احتیاط و ورود آن به بخشی از حقوق سلامت را

تأسیسات، اصل احتیاط باید در نظر گرفته شود.

۱. بند ۴ ماده ۱ بر پشتیبانی سند توسط اصل احتیاط اذعان دارد و اجازه می‌دهد که دولت‌ها در حالت عدم قطعیت نسبت به ریسک‌های محتمل که از این نوع آفت‌کش‌ها ناشی می‌شوند، اقدامات احتیاطی اتخاذ کنند.
۲. در بند ۴ ماده ۱ این آیین‌نامه، تصریح شده است که مواد این سند توسط اصل احتیاط پشتیبانی می‌شوند؛ اصلی که به دنبال حفاظت از سلامت انسان، حیوان و محیط‌زیست است.
۳. اصل احتیاط در قانون‌های هوای پاک، کنترل آلاینده‌ها، انرژی هسته‌ای، مدیریت آب و مقررات مربوط به زیست‌فناوری مورد اشاره قرار گرفته است (De Sadeleer, 2002: 126-130).
۴. ماده ۴ قانون فدرال در خصوص حفاظت از محیط‌زیست دریایی در مناطق تحت صلاحیت بلژیک مصوب ۱۹۹۹ مقرر می‌دارد: «افراد و عواملی که به فعالیت در مناطق دریایی اشتغال دارند، باید ملاحظات اصل احتیاط را رعایت کنند؛ بدین معنا که وقتی زمینه‌های معقول نگرانی برای آلودگی محیط‌زیست دریایی وجود دارد، باید اقدامات پیشگیرانه انجام شود اگرچه دلیلی قطعی بر رابطه علی-معلولی بین ورود مواد به آب و اثر مضر آن‌ها وجود نداشته باشد» (De Sadeleer, 2000: 149-150).
۵. در قسمت سوم از بخش دوم قانون محیط‌زیست سوئد آمده است: «اشخاصی که متمایل یا در حال انجام یک فعالیت هستند، باید آن دسته از اقدامات حفاظتی را به کارگیرند که با محدودیت‌ها و احتیاط‌های لازم جهت جلوگیری و یا کاهش ضررهای وارده به سلامت انسانی یا محیط‌زیست (که از آن فعالیت ناشی می‌شود)، سازگار است» (Michanek, 2007: 126).
۶. استراتژی ملی استرالیا برای توسعه پایدار محیط‌زیست مصوب ۱۹۹۹، قانون انرژی‌های نو، قانون فناوری ژن، قانون حفاظت از محیط‌زیست و تنوع زیستی بر اعمال اصل احتیاط تأکید دارند (Peterson, 2006: 17-19).
۷. در مقدمه و بند آ از ماده ۲(۱) قانون حفاظت از محیط‌زیست کانادا مصوب ۱۹۹۹ آمده است: «زمانی که خطر ورود آسیب برگشت‌ناپذیر و جدی وجود دارد و نبود قطعیت علمی به‌عنوان دلیلی در تعویق اقدامات مقرون‌به‌صرفه‌ای که مانع از تخریب محیط‌زیست است، نمی‌شود؛ دولت کانادا متعهد به اجرای اصل احتیاط است» (Zander, 2010: 232).
۸. در قانون حفاظت از محیط‌زیست فنلاند در بخش چهارم، اصول محیط‌زیستی لیست شده‌اند. بند ۲ اشعار می‌دارد: «برای جلوگیری از آلودگی که در ذات فعالیت‌ها وجود دارد، حزم و مراقبت مناسب باید انجام شود. همچنین احتمال آلودگی، خطر تصادم، فرصت‌های جلوگیری از تصادم و کاهش آثار آن باید در نظر گرفته شوند» (Hollo, 2007: 80).
۹. در باب ارزش منشور محیط‌زیست به‌عنوان بخشی از مقدمه قانون اساسی فرانسه، ذکر این نکته کافی است که اعلامیه حقوق فرد و شهروند ۱۷۸۹، قسمت دیگر مقدمه قانون اساسی فرانسه را تشکیل می‌دهد و هر دو در یک جایگاه قرار دارند.

نیز میسر کرده است. حتی در حقوق ایالات متحده نیز اشاره‌هایی غیرمستقیم به اصل احتیاط در مسائل مرتبط با ایمنی زیستی، حفاظت از گونه‌های در حال انقراض، ایمنی غذایی و آلودگی هوا وجود دارد (Sache, 2011: 1309). در میان کشورهای آفریقایی موزامبیک، کامرون و آفریقای جنوبی در قوانین زیست‌محیطی‌شان به اصل احتیاط اشاره کرده‌اند. در بیشتر کشورهای امریکای جنوبی مانند آرژانتین، پرو، اکوادور و کاستاریکا، اصل احتیاط به‌عنوان اصل راهنما در قوانین زیست‌محیطی‌شان آمده است (Kavi Kumar, 2007: 9). در قوانین ایران به‌طور مستقیم به این اصل اشاره نشده لکن ذیل اصل پنجاهم قانون اساسی آمده است که فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. به‌زعم برخی نویسندگان، این اصل به‌طور غیرمستقیم لزوم به‌کارگیری اقدامات احتیاطی را در انجام فعالیت‌هایی که باعث ورود ضرر به محیط‌زیست می‌شود، متذکر می‌شود (موسوی، آرش‌پور، ۱۳۹۴: ۱۶۹). از نظر موضوعی در عموم قوانین یاد شده اصل احتیاط به‌طور مستقیم بر مسائل زیست‌محیطی حاکم است و در برخی شرایط بر فعالیت‌های مرتبط با سلامت عمومی نیز اجرا می‌شود.

۹. اصل احتیاط در آراء قضایی

استناد بعدی مدافعین وضعیت عرفی، آرای محاکم قضایی داخلی، بین‌المللی و مواضع دولت‌ها در خصوص اصل نزد آن مراجع است. به تأیید تروبورست و کاوی، به اصل در دادگاه‌های هند، پاکستان، کانادا و کاستاریکا استناد شده است (Trouwborst, 2009: 109 & Kavi Kumar, 2007: 9). از حیث مواضع دولت‌ها در اختلافات بین‌المللی نیز می‌توان به مواضع طرفدارانه دول زیر اشاره کرد. ایرلند در دعوی کارخانه ماکس؛ نیوزلند، جزایر ساموا، سلیمان، میکرونزی در آزمایش‌های اتمی؛ استرالیا در ماهی بلوفین؛ مجارستان در گابچی کوو-ناگیماروس؛ آرژانتین و اروگوئه در قضیه خمیر کاغذ؛ اکوادور در دعوی سم‌پاشی اراضی و سنگاپور در استحصال اراضی؛ بخشی از ادعاهای خود را بر اصل احتیاط مبتنی ساخته‌اند و آن را قاعده الزام‌آور عرفی معرفی کرده‌اند.

آرای دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و به خصوص دادگستری اروپایی نیز به روشنی بر این مفهوم حقوقی مهر تأیید می‌زنند که در این مقام به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱۰. رویه قضایی اروپایی

قبل از ورود اصل به اتحادیه اروپایی از طریق معاهده ماستریخت، منطق آن توسط دیوان دادگستری اروپایی و برخی دادگاه‌های ملی اعمال شده است. در آن مقطع، نگاه احتیاطی در رویه دیوان دادگستری اروپایی در پرونده‌های مربوط به عدم قطعیت علمی و جریان آزاد کالا، قابل ردیابی است. اصل جریان آزاد کالا که مبنای بازار مشترک اروپایی است مانع وضع محدودیت‌های تجاری میان اعضای مگر در شرایط خاص مانند حفاظت از سلامت می‌شود.

در دو پرونده دادستان علیه فرآیند تولید پنیر در سال ۱۹۸۱ و ساندوز در ۱۹۸۳، محدودیت‌های وضع شده توسط هلند بر کالاهای دارای افزودنی مورد تأیید قرار گرفت. در هر دو پرونده داده‌های علمی، نتایج قطعی در خصوص اثرات مضر ناشی از استفاده از نازین و ویتامین‌ها در محصولات غذایی ارائه نمی‌دادند اما دیوان اروپایی به‌رغم این عدم قطعیت علمی، محدودیت‌های اعمال شده را با استناد به حفاظت از سلامت عمومی موجه دانست (Nisin Case, 1983: 17 & Sandoz Case, 1981: 16).

در قضیه جنون گاوی با توجه به عدم قطعیت، فوریت و جدیت ریسک، کمیسیون اروپایی با تصویب تصمیم‌نامه ۲۳۹/۹۶، بر صادرات گوشت حیوانات اهلی از انگلیس ممنوعیت موقت صادر کرد (Mad cow Case, 1999: 31). انگلیس و ایرلند خواستار ابطال این مصوبه شدند. دیوان اروپایی ضمن اشاره به وجود عدم قطعیت قابل ملاحظه نسبت به ریسک ناشی از استعمال گوشت حیوانات خاطر نشان کرد که وقتی نسبت به وجود یا میزان ریسک بر سلامت انسان عدم قطعیت وجود دارد، نهادهای جامعه می‌توانند بدون انتظار برای تحقق و یا شدت یافتن ریسک، اقدامات حفاظتی مقرر کنند (Mad cow Case, 1999: 98-99).

یکی از برجسته‌ترین قضایا در خصوص اصل احتیاط، قضیه فایزر است. موضوع دعوا؛ ممنوعیت استفاده از ویرجینیا مایسین به‌عنوان محرک رشد در غذای دام بود. علت این ممنوعیت؛ احتمال ایجاد مقاومت انسان به آنتی بیوتیک در نتیجه تغذیه از گوشت دامی بود که با این نوع دارو پرورش یافته است. در آن زمان داده‌های علمی، نتایج واضحی در خصوص امکان این مقاومت ارائه نمی‌دادند. فایزر بر اساس همین قلت دلایل علمی، درخواست ابطال این مصوبه را به دادگاه ارائه داد (Pfizer Case, 2002: 69). فایزر مدعی بود که نهادهای اتحادیه تصمیمی اتخاذ کرده‌اند بدون آنکه شدت ریسک، مشخص و حتی وجود آن، قطعی باشد؛ این ادعا مورد قبول

کمیسیون هم بود (Pfizer Case, 2002: 113). دادگاه عمومی ضمن رد ادعاهای فایزر در رأی سال ۲۰۰۲، چارچوبی منسجم برای اعمال اصل احتیاط ارائه داد که به صورت مختصر ذکر آن می‌رود.

ابتدا دادگاه در یک تعریف کاربردی از ریسک آن را احتمالی دانست که استفاده از یک کالا یا انجام یک فعالیت، منافع حفاظت شده توسط نظم حقوقی را به خطر خواهد انداخت (Pfizer Case, 2002: 147). در ادامه دادگاه تأکید کرد که اصل احتیاط بر ریسک فرضی اعمال نمی‌شود؛ ریسکی که مبتنی بر حدس صرف است و از نظر علمی تأیید نشده است (Pfizer Case, 2002: 143). اصل احتیاط در موقعیت‌هایی اعمال می‌شود که ریسکی وجود دارد که با داده‌های علمی در دسترس، در زمان اتخاذ تصمیم پشتیبانی می‌گردد (Pfizer Case, 2002: 144) و اگرچه کاملاً اثبات نشده لکن بر حدس صرف که توسط داده‌های علمی تأیید نشده نیز استوار نیست (Pfizer Case, 2002: 146). دادگاه سپس طی دو مرحله تعیین سطح ریسک غیرقابل قبول و انجام ارزیابی ریسک را ضروری می‌داند. منظور از مؤلفه نخست، آن آستانه‌ای است که بالاتر از آن، باید اقدامات احتیاطی اتخاذ گردد. نکته قابل توجه آنکه سطح خطر صفر قابل انتخاب نیست چراکه به خوبی می‌دانیم زندگی بشر آمیخته با ریسک است و نمی‌توان نسبت به کلیه ریسک‌ها واکنش نشان داد ضمن آنکه به واقع نمی‌توان از نظر علمی ثابت کرد که یک محصول یا فعالیت در حال یا آینده قطعاً موجب ریسک نخواهد بود (Pfizer Case, 2002: 145, 149, 152). پس از تعیین سطح ریسک غیرقابل قبول، نوبت به طی گام دوم می‌رسد و آن، انجام ارزیابی ریسک است که از دید رویه قضایی باید در مواجهه با عدم قطعیت حاکم بر یک موقعیت صورت گیرد (Pfizer Case, 2002: 155, 156). ارزیابی ریسک از چهار مرحله تشکیل می‌شود: تعیین عامل خطرزا، توصیف آن، ارزیابی آسیب‌پذیران ریسک و ویژگی‌سنجی ریسک. این ارزیابی توسط نهادهای علمی انجام می‌شود و بر اصول استقلال، شفافیت و انجام ارزیابی با بهترین اطلاعات و به بهترین نحو^۱ استوار است (Pfizer Case, 2002: 156, 157, 159). بسته به دانش علمی مرتبط با قضیه، انجام ارزیابی ریسک الزاماً به تعیین ریسک و آثار آن نمی‌انجامد و اینجاست که اصل احتیاط امکان ورود می‌یابد. به بیان دادگاه؛ وقتی که تعیین قطعی ریسک یا دامنه آن به دلیل کافی، قطعی و دقیق نبودن نتایج مطالعات انجام شده ممکن نباشد لکن احتمال ورود ضرر واقعی در صورت تحقق ریسک وجود دارد، می‌توان بر مبنای اصل احتیاط اقدامات محدودکننده اتخاذ

کرد (Pfizer Case, 2002: 393, 156).

رأی مهم دیگر، آرتهگدان علیه کمیسیون است که در آن اصل احتیاط، به‌عنوان اصل کلی حقوق اتحادیه شناسایی شد. موضوع این پرونده، اعتراض به باز پس‌گیری مجوز صادره در استفاده از آنورکتیک - نوعی فرآورده دارویی برای انسان که اشتها را سرکوب می‌کند - به‌موجب تصمیم ۹ مارس ۲۰۰۰ کمیسیون بود (Artegoda Case, 2002: 16). دادگاه عمومی در رأی سال ۲۰۰۲، ابتدا نسبت به قلمرو اصل احتیاط اظهار نظر کرد و بیان داشت به‌رغم تصریح معاهده کارکرد به اعمال اصل در حوزه محیط زیست، این اصل بر فعالیت‌های ناظر بر حفاظت از سلامت عمومی و ایمنی مصرف‌کننده نیز حاکم است^۱ (Artegoda Case, 2002: 183). دادگاه در خصوص ادعای عدم قطعیت در اثر استفاده آنورکتیک اظهار داشت؛ اصل احتیاط که می‌تواند به‌عنوان اصل کلی حقوق اتحادیه شناخته شود، مقرر می‌دارد که مقامات صالحه برای جلوگیری از ریسک محتمل و مشخص برای سلامت عمومی، ایمنی و محیط زیست، اقدامات مقتضی را اتخاذ کنند که این امر با اعطای اولویت به اقتضائات ناشی از حفاظت از سلامت عمومی، ایمنی و محیط زیست بر منافع اقتصادی همراه است. همچنین وقتی نهادهای اتحادیه در انجام کلیه فعالیت‌هایشان نسبت به حفاظت از سلامت عمومی، ایمنی و محیط‌زیست مسئول‌اند، اصل احتیاط را می‌توان به‌عنوان اصل مستقلی که از مقررات مذکور برمی‌آید، در نظر گرفت (Artegoda Case, 2002: 184). مرجع مذکور با رد ادعای خواهان، خاطر نشان کرد که بر اساس اصل احتیاط، وقتی داده‌های علمی جدید منجر به بروز تردید نسبت به ایمنی یک محصول شود، می‌توان بر مبنای دلایل قانع‌کننده و نه قاطع، مجوزهای صادره را تعلیق یا لغو نمود (Artegoda Case, 2002: 192).

دیوان از سال ۲۰۰۲ به بعد، در قضایای مطروحه، ساختاری که در رأی فایزر بنا نهاد را مد نظر خود قرار داده است و در صورت رعایت شرایط مقرر، استناد به اصل احتیاط را می‌پذیرد. به‌عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد به قضایای آلفارما (Alpharma Case, 2002: 153)، پاراکوات (Paraquat Case, 2007: 160-161)، پرندگان وحشی (Wild bird Case, 1993: 21)، مونسانتو (Monsanto Case, 2003: 113-133)، صدف ماهی (Wadenzee Case, 2005: 58)، گوان (Gowan Case,

۱. مبنای حقوقی این تسری، برقراری ارتباط میان مواد ۱۱، ۱۶۸، ۱۶۹ و ۱۹۱ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا است. از یک سو طبق ماده ۱۹۱، سیاست‌های زیست‌محیطی در دستیابی به اهداف سلامت عمومی نیز کمک می‌کنند. از سوی دیگر مطابق مواد ۱۶۸، ۱۶۹ و ۱۱ به ترتیب، باید الزامات حفاظت از سلامت عمومی، ایمنی مصرف‌کننده و محیط‌زیست در کلیه سیاست‌ها و فعالیت‌های اتحادیه گنجانده شوند. در نتیجه، اصل احتیاط که بر اساس ماده ۱۹۱ زیربنای سیاست‌های زیست‌محیطی و طبق ماده ۱۱ از اقتضائات حفاظت از محیط‌زیست است بر دو حوزه سلامت عمومی و ایمنی مصرف‌کننده اعمال می‌شود (Artegoda Case, 2002: 183, Pfizer Case, 2002: 114).

(Animal Trading (Company Case, 2010: 76-82-86)، قضیه شرکت تجارت حیوانات بی‌وی، (Animal Trading (Company Case, 2010: 76-82-86)
(CJEU Press، آسینو (Acino Case, 2013: 57-59) و سیگارهای الکترونیک (CJEU Press، آسینو (Acino Case, 2013: 57-59)
Release, 2016: 2).

۱۰. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

موضع‌گیری پیش‌رونده دیوان بین‌المللی حقوق دریاها مورد استنادی دیگر مدافعین وضعیت عرفی است که نظرش با «عمل کردن به گونه‌ای سنجیده و محتاطانه» آغاز شد و با ایجاد ارتباط میان اصل احتیاط و اصل مراقبت مقتضی، اعمال آن را تکلیفی عرفی دانست.

دیوان در سه قرار صادره در پرونده‌های ماهی بلوفین جنوبی، کارخانه ماکس و استحصال اراضی در اطراف تنگه جوهور اشاره‌ای به اصل احتیاط نکرد اما با بیان جمله‌ای ثابت امید به نظر مثبت این مرجع به اصل را ایجاد کرد که آن جمله عبارت است از «طرفین به گونه‌ای سنجیده و محتاطانه عمل کنند»^۱ (ITLOS Rep, 1999: 77 &, 2001: 84 &, 2003: 99).

اما آنچه دیوان را نسبت به دیگر مراجع بین‌المللی متمایز کرد، رأی مشورتی ۲۰۱۱ شعبه اختلافات بستر دریاها است که مهم‌ترین تصمیم صادره این محکمه در خصوص رویکرد احتیاطی بوده است. شورای مقام بین‌المللی اعماق، تقاضای رأیی مشورتی کرد که درباره مسئولیت‌های حقوقی و دامنه مسئولیت جبران خسارت دولت‌هایی است که کفیل پیمانکاران مشغول به فعالیت در منطقه اعماق هستند. در این رأی، شعبه دیوان بر دول کفیل پیمانکاران در منطقه دو نوع تکلیف بار می‌کند؛ نخست تعهد به مراقبت مقتضی در پابندی پیمانکاران به شرایط قرارداد، مواد کنوانسیون و مقررات مصوب مقام؛ دوم، تعهداتی مستقل از تعهد کلی ذکر شده که بر عهده دول کفیل است و رعایت آن، ایفای مراقبت مقتضی خواهد بود.

از مصادیق تعهد نوع دوم، اعمال رویکرد احتیاطی است. به توضیح دیوان، تعهد به اعمال رویکرد احتیاطی در صور مختلف مطرح است. بر اساس مواد کنوانسیون حقوق دریاها و برخی مقررات مصوب مقام مانند مقررات مربوط به کاوش و بهره‌برداری از سولفیدهای پلی متالیک و کلوخه‌های پلی متالیک، هم مقام و هم دولت کفیل متعهدند جهت حفاظت از محیط‌زیست دریایی، رویکرد احتیاطی (به نحوه مذکور در اعلامیه ریو) را اعمال کنند (ITLOS Advisory Opinion, 2011:12). شعبه خاطر نشان می‌سازد که هرچند رویکرد احتیاطی در اعلامیه ریو الزام

1. Act with Caution and Prudence.

حقوقی ندارد اما به جهت درج در مقررات لازم‌الاتباع مقام، تعهدی الزام‌آور برای دول کفیل و مقام است (ITLOS Advisory Opinion, 2011:127). در ادامه، دیوان رویکرد احتیاطی را بخشی انفکاک‌ناپذیر از تعهد مراقبت مقتضی^۱ دول کفیل اعلام می‌کند که حتی فارغ از آنچه در مقررات مقام آمده است، اعمال می‌شود (ITLOS Advisory Opinion, 2011: 131). آخرین محل اعمال رویکرد احتیاطی، در شرط ثابتی در قراردادهای اکتشاف منطقه با عنوان شرط استاندارد قرار دارد که پیمانکاران را موظف به پیشگیری، کاهش و مهار آلودگی محیط‌زیست دریایی در اثر فعالیت‌ها در منطقه می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد کلیه اقدامات لازم را در حد امکان انجام دهند و در این راستا، رویکرد احتیاطی و بهترین شیوه‌های زیست‌محیطی را به کارگیرند. به بیانی دیگر در این وضعیت، اعمال رویکرد احتیاطی، تعهد قراردادی پیمانکاران است (ITLOS Advisory Opinion, 2011:133). در نهایت، این محکمه نتیجه می‌گیرد که درج رویکرد احتیاطی در اسناد متعدد بین‌المللی، مقررات مصوب مقام، شرط استاندارد قراردادهای اکتشاف منابع منطقه و همچنین حکم دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه خمیرکاغذ را می‌توان نشانه‌هایی بر آغاز حرکتی در نظر گرفت که به سمت عرفی کردن رویکرد احتیاطی به پیش می‌رود (ITLOS Advisory Opinion, 2011:135).

دلایل موافقین و مخالفین، چیزی جز واقعیت‌های موجود در خصوص اصل احتیاط نیست. مفهومی بدیع در مدتی کوتاه به سرعت در جای جای ساحت حقوق بین‌الملل ورود کرده است در عین حال مفاد و شکل یکسان ندارد. در گستره اروپایی، این اصل به خوبی و به تفصیل در اسناد آن تعریف شده و با اعمال مکرر توسط دادگستری اروپایی به قوام رسیده است اما در سطح مراجع قضایی بین‌المللی، در کنار موضع طرفدارانه و پیش‌رونده دیوان حقوق دریاها، با امتناع دیوان بین‌المللی دادگستری از توجه و اظهار نظر نسبت به اصل مواجه هستیم. حال باید دید این تکرر عبارت‌پردازی‌ها تا چه حد بر وصف هنجاری یک تأسیس حقوقی اثرگذار است و اصلاً برای یک اصل حقوقی چه میزان وضوح و نبود ابهام لازم است. ارائه نظر در این خصوص و به تبع؛ وضعیت عرفی اصل را به قسمت پایانی نوشتار موکول می‌کنیم.

۱۱. احتیاط؛ اصل کلی حقوق

آن گروه از نویسندگانی که احتیاط را اصلی حقوقی می‌دانند اما اقتناع نشده‌اند که پذیرش

1. Due Diligence.

بین‌المللی آن به حدی رسیده که بتواند اصلی عرفی شود، این مفهوم را یک اصل کلی حقوق قلمداد می‌کنند. برای ارزیابی این نظر، خصوصیات یک اصل کلی حقوق را ذکر و امکان متصف شدن اصل احتیاط به این وصف را بررسی خواهیم کرد.

اصول کلی حقوق، برای اولین بار توسط کمیته حقوقدانان جامعه ملل به اسناد چند جانبه بین‌المللی وارد شد.^۱ اگرچه در خصوص معنای دقیق اصول کلی حقوق مورد قبول ملل متمدن میان کمیته حقوقدانان در ۱۹۲۰ اجماعی وجود نداشت، توافق بر دو نکته مشاهده می‌شد؛ اصول کلی مطرح شده‌اند تا از به وجود آمدن خلأ قانونی جلوگیری کنند؛ درعین حال به قضات امکان قانون‌گذاری نمی‌دهند (Bassiouni, 1990: 784).

علی‌رغم قرار گرفتن اصول کلی حقوق در جایگاه سوم و پس از معاهده و عرف، ادعای وجود سلسله مراتب میان منابع ذکر شده (حداقل در عالم نظر) در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان با نیت طراحان آن نمی‌خواند چرا که کمیته حقوقدانان عبارت «به ترتیب زیر» را از صدر ماده حذف کرد (Bassiouni, 1990: 782).

در خصوص اینکه اصول کلی حقوق همان اصول پذیرفته‌شده در نظام‌های داخلی است یا اصول حقوق بین‌الملل عام را نیز در برمی‌گیرد، نظرات متفاوت است. رجوع به کارهای مقدماتی تردیدی نمی‌گذارد که قصد حقوقدانان، قواعد پذیرفته شده در نظام‌های داخلی بود. درعین حال، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در رأی لوتوس با تکیه بر اراده‌گرایی، این بند را فقط مشعر بر اصول حقوق بین‌الملل عام که از عرف و معاهده نشئت می‌گیرند، دانست (Brownlie, 2003: 16). در ادبیات حقوقی برخی نویسندگان چون تونکین، بن‌چنگ، آنزیلوتی و فردروس هر دو دسته اصول کلی حقوق داخلی و بین‌المللی را زیر چتر این بند اساسنامه دیوان می‌دانند (Pellet, 2006: 768). به نظر می‌رسد اصول حقوق بین‌الملل عام نمی‌تواند منظور این بند باشد چرا که در وهله نخست، کارهای مقدماتی و نیت طراحان در ۱۹۲۰ چنین نبوده است. به علاوه، اگر مقصود از اصول مندرج در بند ۳، اصول عام حقوق بین‌الملل باشد، چنین امری تحت پوشش بند ب-عرف- قرار می‌گیرد و لزومی به طراحی بند جدایی نبوده است (Pellet, 2006: 767, 768). به هر حال این دغدغه و تمرکز بر آن، مورد توجه پژوهش حاضر نیست چرا که در دکتترین بر قرار داشتن اصول

۱. البته ابتکار این تأسیس به قبل از این تاریخ برمی‌گردد و در کنفرانس‌های صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، رویه دولت‌ها و آرای داوری چون پون بوکلن (امریکا-هاییتی)، فایبانی (ونزوئلا-فرانسه)، راه‌آهن لورنومارکز (ایالات متحده-بریتانیا)، مرزهای خلیج والفیش (آلمان-بریتانیا) و داوری روسیه-ترکیه نیز مطرح بوده است (Pellet, 2006: 766).

نظام‌های حقوقی داخلی ذیل عنوان اصل کلی حقوق اتفاق نظر است و خاستگاه اصل احتیاط نیز سیستم‌های ملی است.

حال باید ببینیم پس از آنکه مفهومی را یک اصل کلی حقوقی دانستیم چه نتایجی بر آن مترتب می‌شود. این نتایج که همان کارکرد یک اصل کلی حقوق است، ارائه قاعده‌ذی‌ربط در قضیه نیست بلکه در تعیین آن قاعده به صورت درست به ما کمک می‌کند: Bassiouni, 1990: (782). به عبارت دیگر؛ اصول کلی یک آورده مشخص و مستقیم برای پرونده تحت رسیدگی ندارند اما می‌توانند راه را نشان دهند و در موارد خلأ حقوقی، تکمیل‌کننده باشند. کلبرز برای تشخیص یک اصل کلی، بیانی قابل‌اعتنا دارد. وی اظهار می‌دارد که اصول کلی گاه می‌توانند نوعی عرف رقیق^۱ در نظر گرفته شوند به این معنا که برای اثبات آن، رویه و اعتقاد حقوقی کمتری به نسبت عرف مورد نیاز است (Klabbers, 2013: 34). پس از بیان نکاتی کلی از اصول کلی حقوق، نوبت بررسی این ادعا است که اصل احتیاط، یک اصل کلی حقوق است (موسوی، حسینی و موسوی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۹).

برای ارزیابی ادعای مذکور، ابتدا باید مشخص کنیم که به چه صورت می‌توان وجود یا نبود وصف اصل کلی حقوق را برای یک تأسیس حقوقی احراز کرد. بیانات مطروحه در سطور فوق، این راهنمایی را به ما ارائه می‌کنند که از یک سو باید به جستجو و کنکاش جهت یافتن نشانه‌هایی از اصل در نظام‌های حقوقی داخلی دولت‌ها (ملل متمدن) پردازیم و از سوی دیگر، می‌توانیم با اثبات وجود سطحی از عرف (عرف رقیق) که ایده ارزشمند کلبرز در این خصوص است، عنوان اصل کلی حقوق را برای تأسیس مدنظر تأیید کنیم.

ابتدا معیار دوم یعنی اثبات عرف رقیق را مدنظر قرار می‌دهیم. با انتخابی که در چیش مطالب این نوشتار نموده و بررسی وضعیت عرفی اصل را در اولویت قرار داده‌ایم، خوشبختانه بخش عمده‌ای از مسیر را پیموده‌ایم چرا که رویه‌های ذکر شده از دول در بند دوم مانند قوانین داخلی آن‌ها (آلمان، بلژیک، دانمارک، نروژ، فنلاند، استرالیا، کانادا، نیوزلند، سوئیس، فرانسه، موزامبیک، کامرون، آفریقای جنوبی، هند، آرژانتین، پرو، اکوادور و کاستاریکا) و تنظیم و پذیرش اسناد متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای تأییدکننده اصل از یک طرف و مواضع برخی مراجع قضایی بین‌المللی (دیوان بین‌المللی حقوق دریاها) و منطقه‌ای (دیوان دادگستری اروپایی)، وجود عرف رقیق که برای متصف شدن احتیاط به وصف اصل کلی نیاز است را اثبات می‌کنند. در

تحقق معیار اول یعنی تبلور اصل در نظام‌های حقوقی داخلی نیز در بند دوم به مواد مختلف از قوانین دولت‌ها که در خود، اصل احتیاط را گنجانده‌اند اشاره کردیم و افزون بر آن در این قسمت، تأیید اعتبار اصل توسط مراجع قضایی چند دولت که سیستم‌های حقوقی متفاوتی چون نوشته، کامن لائو و امریکای لاتین دارند را به نظاره می‌نشینیم تا تأیید ادعای اصل کلی حقوق برای احتیاط را با دقت بیشتر انجام داده باشیم.

آلمان: دادگاه اداری فدرال این کشور در رأی فوریه ۱۹۷۸ راجع به استخراج از یک معدن زغال سنگ، بر اتخاذ اقدامات احتیاطی در برابر آلودگی ناشی از فعالیت‌های این معدن تأکید کرد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۷۷). دادگاه فدرال قانون اساسی نیز در رأی آگوست همان سال، رأیی در خصوص فعالیت رآکتور هسته‌ای کاکر، بر مبنای ماده ۷ قانون انرژی هسته‌ای صادر کرد و اعطای مجوز را، به لحاظ کردن اصل احتیاط در سطح دانش فنی و علمی موجود در برابر خطرات بالقوه ساخت و فعالیت تأسیسات اتمی مشروط و خاطر نشان نمود که ماده ۷ مطابق با قانون اساسی است و هدف آن مقرر، اطمینان از حفاظت حداکثری در برابر خطرات مسلم و ریسک‌های محتمل است^۱ (De Sadeleer, 2002: 126, 127). دادگاه اداری فدرال در قضیه هیل،^۲ به اعمال بند ۲ ماده ۶ قانون زیست‌فناوری مبادرت کرد که از افراد عامل می‌خواهد مطابق سطح دانش فنی و علمی موجود، کلیه اقدامات در حفاظت از حقوق مطروحه در بند ۱ ماده ۱ و همچنین پیش‌بینی خطرات قابل تعیین را انجام دهند. مرجع مذکور بیان داشت آنچه مورد مطالبه مقرر فوق است، اقدام پیشگیرانه در برابر خطر قطعی و اقدام احتیاطی در برابر ریسک‌های محتمل است (De Sadeleer, 2002: 130).

فرانسه: دادگاه عالی اداری فرانسه، اولین بار در ۱۹۹۳ در حوزه‌ای غیر زیست‌محیطی، رأی مربوط به خون‌های آلوده، موضعی احتیاطی اتخاذ کرد. این دادگاه در بخشی از رأی، دولت فرانسه را سرزنش کرد که چرا به‌رغم وجود خطری جدی که نیاز به انتظار برای قطعیت علمی را مرتفع می‌کند، اقدامی نکرده است (De Sadeleer, 2002: 130, 131). دادگاه مذکور در پرونده روسی^۳ نیز

۱. این مرجع، تعیین معنای واژه‌های مبهمی چون احتیاط و سطح دانش علمی موجود را از اختیارات مقامات اجرایی برشمرد چراکه اعمال اصل توسط آن‌ها صورت می‌گیرد. دادگاه در خصوص پیش‌بینی خطرات نیز اظهار داشت که ارزیابی احتمال بروز خسارت ناشی از ساخت و فعالیت یک سایت هسته‌ای را می‌توان بر مبنای تجربیات و موارد مشابه قبلی انجام داد. اگر سابقه‌ای وجود نداشته باشد، باید به گمان و تخمین روی آورد. در این حالت، هرگونه اطلاعات جدید و پیشرفت‌های علمی را باید در نظر گرفت تا بتوان به ارزیابی معقولی از ریسک رسید. دادگاه در پایان این قسمت از رأی تأکید کرد که اگر بر اساس سطح دانش موجود، احتمال بروز خطر تا حدی رد نشود، نباید مجوز فعالیت آن سایت صادر گردد.

2. Whyl.

3. Rossi, 4 January 1995.

با همین دیدگاه، مشروعیت تصمیم بخشدار را زیر سؤال برد که پیرامون سایت‌های برداشت آب، فضای ایمنی محدودی را معین کرده بود. مرجع یاد شده خاطر نشان کرد که نهاد اداری نباید تصمیمش را تنها بر دلایل علمی مستقر کند و نباید جهت تضمین کیفیت آب، صرفاً بر اساس گزارش آب‌شناسی و آزمایش نشت فلورسین، نبود خطر را احراز کرده و منطقه ایمنی سایت‌های برداشت آب را کوچک در نظر گیرد. دادگاه در ادامه، مطابق اقتضای اصل احتیاط، نهاد اداری را سرزنش نمود که چرا اثبات نکرده است که نیازی به گسترش منطقه ایمنی وجود ندارد (De Sadeleer, 2002: 131). اعمال دیدگاه احتیاطی در قضیه کومون دو ویلون^۱ نیز صورت گرفت و در قضیه صلح سبز^۲، اجرای مستقل اصل توسط دادگاه عالی اداری با بیانات ذیل تأیید شد:

«هم ایرادات شکلی در تصویب تصمیم وجود دارد و هم اصل احتیاط در نظر گرفته نشده است و این دو مورد برای تعلیق تصمیم کفایت می‌کند. نقض اصل احتیاط، باید به‌عنوان نقض یک تعهد حقوقی دیده شود. این حقیقت که قوانین، شکل و قالب خاصی به اصل احتیاط نداده‌اند مانع از آن نیست که دیوان اصل را مستقیماً اعمال کند» (De Sadeleer, 2002: 133).

کانادا: دیوان عالی این کشور در قضیه کاستونگوای بلاستینگ علیه انتاریو^۳، از اصل احتیاط در تفسیر مقررات قابل اعمال در آنتاریو استفاده کرد و بیان داشت که اصل احتیاط، این اصل در حال ظهور حقوق بین‌الملل، اعلام می‌کند که چون در پیش‌بینی و تعیین قطعی اثرات زیست‌محیطی یک فعالیت، محدودیت‌های ذاتی وجود دارد، سیاست‌های زیست‌محیطی باید تخریب محیط‌زیست را پیش‌بینی و از آن جلوگیری کنند (Supreme Court of Canada, 2013).
(20) دیوان عالی در قضیه اسپری تک^۴ نیز، اصل احتیاط را با برداشتی موسع اعمال نمود^۵

1. Commune de Quevillon, 4 April 1997.

دیوان در این قضیه با دیدگاه احتیاطی اظهار داشت که اصلاح طرح استفاده موقت از زمین‌های کشاورزی برای تخلیه نخاله‌های حاصل از لایروبی - اگرچه پس از مدت مشخص مجدداً برای مقاصد کشاورزی به کار خواهند رفت - نقض مفاد طرح مورد بررسی است. هیچ تضمینی نیست اثرات آلوده کننده نخاله‌ها، سمی نباشد و بافت زمین کشاورزی را در پایان دوره، آلوده نکرده باشد (De Sadeleer, 2002: 131)

2. Association Greenpeace France, 19 February 1998

موضوع اختلاف، اعتراض انجمن صلح سبز به دستور وزیر کشاورزی فرانسه بود که اجازه می‌داد سه نوع ذرت ژنتیکی نوترکیب در فرانسه پرورش یابد. نماینده دولت معتقد بود اصل احتیاط، اثر مستقیم حقوقی ندارد و تنها الهام‌بخش سیاست‌های زیست‌محیطی است.

3. Castonguay Blasting Ltd V Ontario.

4. Spraytech.

۵. در این رأی، دیوان اصل را با صورت‌بندی اعلامیه برگن و نه طبق اصل ۱۵ اعلامیه ریو که عبارت‌پردازی مورد پذیرش در نظام حقوقی کاناداست، اعمال کرد. تفاوت برگن و ریو، در لحاظ کردن وصف مقرون‌به‌صرفگی اقدام است که برگن آن را شرط نمی‌داند. بدین ترتیب اقدام دیوان را می‌توان در جهت توسعه بخشیدن به قلمرو اصل احتیاط تعبیر کرد.

(Akelaitis, 2014: 1).

هند: دیوان عالی هند در قضیه ولور،^۱ ابتدا به تبیین معنای اصل احتیاط در حقوق داخلی این کشور پرداخت^۲ و در ادامه، با اشاره به مواد قانون اساسی و قوانین مختلفی^۳ که در سرزمینش وجود دارد، تأیید کرد که اصل احتیاط تشکیل دهنده بخشی از حقوق داخلی این کشور است. این مرجع در عین حال، بر وضعیت عرفی احتیاط در حقوق بین الملل نیز صحنه گذاشت و از این حیث نیز، اصل را در قلمرو هند مجرا دانست. (Supreme Court of India, 1996: 9,10,11) مرجع یادشده در قضیه نارمادا^۴ به آورده خود در رأی ولور اشاره کرد و بر تنویر ابعاد جابه جایی بار اثبات به موجب اصل احتیاط تمرکز نمود. (Supreme Court of India, 2000: 40)

آرژانتین: دادگاه این کشور در پرونده‌ای،^۵ تأسیس فازی از شبکه برق را معلق کرد تا خواننده خواننده گزارشی ارائه کند که در آن پیامدها و اقدامات پیشگیرانه‌ای که توسط پروژه برای جلوگیری از آثار منفی احتمالی نیروی مغناطیسی انجام می‌شود، ارائه شود. این محکمه به صراحت اعلام کرد که اصل احتیاط را اعمال می‌کند که در چندین سند بین المللی ذکر آن رفته است (Kavi Kumar, 2007: 9).

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت اصل احتیاط، هم معیار پذیرش در نظام‌های حقوقی داخلی (قوانین و رویه قضایی داخلی) را تأمین می‌کند و هم با رویه‌های قابل قبولی از دول در ساحت‌های مختلف بین المللی پشتیبانی می‌شود که اگرچه ممکن است اصل را به سطح عرفی بودن نرساند اما عنوان اصل کلی حقوق را برای آن تأیید می‌کند. نکته دیگر آنکه، با تلقی اصل احتیاط به عنوان مصداق بند ۳ ماده ۳۸، متوجه می‌شویم که وجود ابهام و اختلاف نظر در خصوص مفهوم و ابعاد یک اصل، خصوصیت ذاتی این تأسیس

1. Vellore Citizens' Welfare Forum v. Union of India and Others, Judgment of 28 August 1996.

۲. به بیان دیوان عالی هند، به موجب اصل احتیاط، دولت و مقامات صالحه باید علل تخریب کننده محیط زیست را پیش بینی و نسبت به رفع آنها اقدام نمایند. همچنین اگر خطر ورود ضرری جدی و برگشت ناپذیر به محیط زیست وجود داشته باشد، نبود قطعیت علمی نمی‌تواند توجیه کننده تأخیر در اتخاذ اقدام مقتضی گردد. به علاوه، بار اثبات بی خطری نیز بر عهده عامل یک فعالیت یا تولید کننده یک محصول است.

۳. مواد ۲۱، ۴۷، ۴۸ و ۵۱ قانون اساسی و قانون پیشگیری و کنترل آلودگی آب ۱۹۷۴، قانون پیشگیری و کنترل آلودگی هوا ۱۹۸۱ و قانون حفاظت از محیط زیست ۱۹۸۶.

4. Narmada Bachao Andolan v. Union of India and Others, Judgment of 18 October 2000.

5. Asociación Coordinadora de Usuarios, Consumidores y Contribuyentes v. Enreedesur, Federal Appellate Tribunal of la Plata, 2003.

حقوقی است تا بتواند در طول زمان بر موارد گسترده‌ای اعمال شود و ویژگی تکاملی حقوق بین‌الملل را حفظ کند و از این حیث، بسیاری از انتقادات نسبت به اصل بی اعتباری می‌گردد. اما اینکه اصل احتیاط به‌عنوان یک اصل کلی حقوق، چگونه کارکردی دارد را می‌توان در قالب پیشنهادی کریستینا ویت تبیین کرد. وی با توجه به اثر هنجاری و نقش کارکردی اصول کلی، آن‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کند؛ بنیادین، راهنما، پشتیبان، تکاملی و تعارض و تفسیر. البته نباید از این نکته غافل شد که امکان هم‌پوشانی میان دسته‌بندی‌های ذکر شده وجود دارد. ساختار ارائه شده‌ی وی به شرح زیر است:

اصول بنیادین^۱، مانند اصل وفای به عهد، حاکمیت دولت، برابری دولت‌ها، رضایت، حسن نیت پایه‌های نظام حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهند (Voight, 2008: 12). اصول راهنما^۲، به قانون‌گذاران در خصوص آنچه وضع می‌کنند، مشاوره می‌دهند. به بیانی دیگر، آن‌ها سیاستی که باید دنبال شود را طراحی و مقنن را در جریان تصویب قانون هدایت می‌کنند. اگر چنین اصولی به وسیله‌ی رویه‌ی یکنواخت دولت‌ها دنبال شوند، می‌توانند به جایگاه اصول عرفی دست یابند. از بیشتر اصول حوزه‌ی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌عنوان اصول راهنما نام برده شده است؛ اصولی چون احتیاط، پرداخت توسط آلوده‌کننده، ارزیابی آثار زیست‌محیطی، استفاده از بهترین فناوری در دسترس، مسئولیت مشترک اما متفاوت، مسئولیت در عدم ورود ضرر فرامرزی و پیشگیری (Voight, 2008: 13). اصول پشتیبان^۳، خود به دو زیرمجموعه تقسیم می‌شوند؛ اصولی شکلی که به امور مربوط به فرآیندهای قضایی مرتبطانند مانند نامحدود نبودن بازداشت، عدم محاکمه مجدد یک فرد برای یک رفتار مجرمانه و اصول ماهوی که محتوا و نتایج حقوقی را مشخص می‌کنند. به‌عنوان نمونه می‌توان به استناد دادگاه یوگسلاوی سابق به اصل کلی کرامت انسانی در قضیه فرنانزیچ جهت تعریف جرم تجاوز به عنف و یا تمسک دیوان بین‌المللی دادگستری به ملاحظات اولیه انسانی در قضیه کورفو اشاره کرد (Voight, 2008: 14-17).

اصول تکاملی^۴ که عامل پویایی در حقوق معاهدات می‌شوند خود در دو دسته قرار دارند. اصولی که برای توسعه‌ی آتی قواعد معاهداتی مبنایی مهیا می‌کنند مانند اصول تفسیر و اصولی که به عبارات معاهده معنایی پویا می‌بخشند و تصحیح‌کننده محتوای منسوخ شده‌اند. نمونه‌های سنتی

1. Fundamental Principles.
2. Directing Principles.
3. Fall-Back Principles.
4. Evolutionary Principles.

این اصول را می‌توان اصل‌های مؤثر بودن، تناسب و انصاف دانست. در پرونده‌های جدید قضایی اصول متفاوتی از این طیف ظهور کرده‌اند. بیشترین تلاش را می‌توان در اعطای معنایی جدید به عبارات قدیمی بر اساس اصل‌های توسعه‌ی پایدار (در قضیه گابچی کوو- ناگیماروس و قضیه میگو در هیئت‌های حل اختلاف سازمان جهانی تجارت) و اصل احتیاط دید. این اهتمام در باب این نوع کارکرد اصل احتیاط در سازمان جهانی تجارت تاکنون موفقیت‌آمیز نبوده اگرچه دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها موضعی متفاوت و امیدوارکننده اتخاذ کرده است (Voight, 2008: 19-20). اصول تعارض و تفسیر^۱ به عبارات معاهده معنا می‌دهند و کمک می‌کنند بین دو یا چند تفسیر متعارض، انتخاب کنیم و بالاخره، اولویت و رجحان میان قواعد در حالت تعارض را تعیین می‌کنند (Voight, 2008: 21).

در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که اصل احتیاط با داشتن ریشه در حقوق داخلی و درج در قوانین کشورهای مختلف، یک اصل کلی حقوق در حقوق بین‌الملل است. کارکرد آن به-عنوان اصل راهنما در میان اندیشمندان حقوقی پذیرفته شده است؛ به طوری که به نقش آن در طراحی سیاست‌های کلان و وضع قواعد اذعان می‌کنند در عین حال تلاش برای ارتقای عملکرد آن به اصل تکاملی که جرح و تعدیل‌کننده سایر قواعد مرتبط با یک قضیه است، ادامه دارد. به-علاوه، مشاهده تحولات جاری اصل، این نکته را به ذهن فرا می‌خواند که یکی از خصوصیات اصل کلی حقوق، انتقالی بودن آن است که پس از استفاده مکرر در قالب عرف در می‌آید (Pellet, 2006: 782). اصل احتیاط نیز از این قاعده مستثنا نیست و در حال گذار از اصل کلی حقوق به وضعیت جدیدی در حقوق بین‌الملل است.

۱۲. نتیجه‌گیری

اصل احتیاط در کنار حمایت طرفدارانش، همواره هدف انتقاداتی چون نبود وفاق در نامیدن اصل، وجود صورت‌بندی‌های متعدد از اصل و ارکان آن، امتناع برخی مراجع قضایی و شبه-قضایی بین‌المللی از استناد و اظهارنظر درباره این مفهوم و نامعلومی وضعیت بار اثبات در موارد تحت حاکمیت اصل قرار داشته است. به‌رغم قابل تأمل بودن برخی از این انتقادات، نکات مهمی وجود دارد که نباید از دید خواننده مغفول بماند.

هنگام ارزیابی حقوقی یک مفهوم در حقوق بین‌الملل باید توجه داشت که حوزه ظهور آن

کجاست و سابقه حضور آن چقدر است. اصل احتیاط در قلمرو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پای به عرصه وجود گذاشته که یکی از جوان‌ترین زمینه‌های حقوق بین‌الملل است ضمن آنکه از طرح خود اصل نیز اندکی بیش از سی سال می‌گذرد. وقتی در خصوص قدیمی‌ترین اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل مثل حاکمیت کماکان اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود، وجود ابهام در معنا و ارکان اصلی نوپا، مسئله خاصی نیست.

در گام بعد باید در نظر داشت که در حال بحث و بررسی یک اصل و نه یک قاعده مشروط و منجز حقوقی هستیم. ارائه تعریف دقیق و ثابت از یک اصل خلاف ذات آن است؛ تأسیسی که هدف وجودی آن در حقوق بین‌الملل، اعمال در موارد متعدد و در زمان‌های مختلف است تا پویایی این عرصه را تضمین کند و به چالش‌های نوظهور آن، پاسخ دهد. به علاوه، این ابهامات مختص اصل احتیاط نیست و سایر اصول نیز با شدت و ضعف چنین وضعیتی دارند که البته رفع نقاط ابهام و تردید را در عالم حقوق، فرآیند تفسیر به عهده گرفته است تا معنا و محدوده یک مفهوم حقوقی را هنگام اعمال در یک موقعیت خاص مشخص کند. باید توجه داشت نه اصل احتیاط، که هیچ اصل حقوقی دیگری، نسخه‌ای مفصل از جزئیات اقدام مبتنی بر خود را ارائه نمی‌دهد. دورکین توضیح ارزشمندی در خصوص جوهر یک اصل حقوقی دارد:

«اصل، دلیلی را بیان می‌کند که در جهت مشخصی استدلال می‌کند اما لزوماً تصمیم مشخصی را ارائه نمی‌دهد. اگر در مقابل این اصل، اصول و سیاست‌هایی باشند که در جهت مقابل استدلال کنند، اصل ما غالب نخواهد شد که البته به این معنا نخواهد بود که اصل مذکور جزو نظام حقوقی نیست؛ در اختلاف بعدی که اصول رقیب نباشند یا کمرنگ‌تر باشند، اصل می‌تواند تعیین‌کننده باشد. تمام معنای اینکه بگوییم اصل الف، اصلی حقوقی است، آن است که مقامات باید آن را در صورت داشتن ارتباط با قضیه، به‌عنوان ملاحظه‌ای که به یک جهت تمایل دارد، لحاظ کنند» (Dworkin, 1978: 26).

ضمن آنکه به‌رغم ادعاها، این‌گونه نیست که اصل احتیاط هیچ‌گونه مفاد مشخص یا راهنمایی معینی نداشته باشد. این اصل، منطقی را به ما می‌آموزد که در برابر ریسک‌های نامعلوم، قبل از اثبات روابط علی- معلولی میان عمل و خسارت محتمل، اقدام کنیم. این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که مراجع قضایی تا حد ممکن، تلاش ارزشمندی در ارائه راهنمایی جهت اعمال اصل دارند که در کنار لحاظ کردن شرایط خاص هر قضیه ما را به بهترین و صحیح‌ترین برداشت از

اصل احتیاط می‌رساند.

وانگهی، وقتی سطح تحلیل را از عالم انتزاع به دنیای واقعی انتقال دهیم، مشاهده می‌کنیم که بخش عمده‌ای از این دغدغه‌های تئوریک رنگ می‌بازد چراکه در نهایت، این نظر و برداشت مقام تصمیم‌گیرنده از اجزاء و معنای اصل احتیاط است که اعمال می‌شود. معنای کلمات اصل را در نهایت نه یک وکیل و دانشمند بلکه مقامات تصمیم‌گیرنده مشخص می‌کنند؛ اینکه یک ریسک را قابل اعتنا بدانیم یا فرضی محسوب کنیم یا تا چه حد و برای چه مدت به آن واکنش نشان دهیم، وابسته به نظر آن‌هاست. هرچند منکر پیروی مقامات مذکور از خطوط منطقی و علمی حاکم بر مسئله نیستیم اما برداشت آن‌ها بیش از آنکه تابع باید و نبایدهای فنی و حقوقی باشد، متأثر از نظرات، جریان‌ات و اولویت‌های سیاسی است.

در خصوص وضعیت حقوقی اصل احتیاط، نگارنده به جهت تدوین اصل در قوانین دولت-های مختلف با نظام‌های حقوقی متفاوت، آن را حداقل یک اصل کلی حقوق ذیل بند ۳ (۱) ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری می‌داند که فعالیت آن به‌عنوان یک اصل راهنما، پذیرفته شده‌ترین کارکرد آن است. اصول راهنما به قانون‌گذاران در خصوص آنچه وضع می‌کنند، مشاوره می‌دهند. به بیانی دیگر، چنین اصولی سیاستی را که باید دنبال شود طراحی و مقنن را در جریان تصویب قانون هدایت می‌کنند. این اصول به تعاملات حقوقی بین‌المللی سمت‌وسو می‌دهند و از طریق هدایت دول در جهت خاص، باعث می‌شوند که قواعد داخلی آن‌ها نیز در راستای خواست مشترک جامعه بین‌المللی تنظیم شود. در کنار پذیرش کارکرد فوق، تلاش‌هایی توسط دولت‌ها در حال انجام است که نقش اصل احتیاط را به یک اصل تکاملی ارتقاء بخشند تا بر اساس آن بتوان به جرح و تعدیل سایر قواعد مرتبط با یک قضیه پرداخت.

به‌هرحال ارجاع دولت‌ها به اصل احتیاط در حوزه‌های مختلف ادامه دارد و بنابر وصف انتقالی یک اصل کلی حقوق که در صورت تکرار، وضعیت آن تبدیل به یک اصل عرفی می‌شود، اصل احتیاط نیز به سمت یک اصل در حال ظهور حقوق عرفی پیش می‌رود ضمن آنکه استناد به اصل در اسناد بین‌المللی متعدد، ورود آن به قوانین داخلی، استناد در دادگاه‌های بین‌المللی و موضع تأییدکننده برخی مراجع قضایی، برای نگارنده تردیدی نمی‌گذارد که جوهره اصل عرفی شده است اما اعلام عرفی بودن آن در حوزه‌ای معین، نیازمند صبر بیشتر جهت افزایش پذیرش آن با بیانی دقیق‌تر است. همچنین تجلی اصل در اسناد اولیه و مقررات ثانویه اتحادیه اروپا و اعمال

مکرر آن توسط دیوان اروپایی، مهر تأییدی بر تبدیل اصل به یک اصل عرفی منطقه‌ای می‌زند.



منابع

الف - فارسی

کتاب

- مرادی، حسن، (۱۳۹۲)، *حقوق بین الملل محیط زیست*، تهران: نشر میزان.

مقاله‌ها

- رضوانی قوام آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست-محیطی در پرتو آراء و تصمیمات مراجع بین المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره پانزدهم، شماره ۴۰.
- فلسفی، هدایت اله، (۱۳۸۹)، «ماجرای تفسیر در دیوان بین المللی دادگستری» در: *نقش دیوان بین المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین الملل*، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، تهران، چاپ اول.
- موسوی، سید فضل الله، آرش پور، علیرضا، (۱۳۹۴)، «جایگاه اصل احتیاطی در حقوق بین الملل محیط زیست»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره چهل و پنجم، شماره ۲.
- موسوی، سید فضل الله، حسینی، سید حسین، موسوی فر، سید حسین، (۱۳۹۴) «اصول حقوق بین الملل محیط زیست در پرتو آراء مراجع حقوقی بین المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره هفدهم، شماره ۴۸.

ج - پایان نامه

- زرنشان، شهرام، (۱۳۹۰)، *نقش رویه قضایی بین المللی در شناسایی قواعد عرفی*، پایان نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ب - انگلیسی

Books

- Brownlie, Ian, (2003), *Principles of Public International Law*, Oxford University Press, 6th ed., New York,
- De Sadeleer, Nicolas, (2002), *Environmental Principles: From Political Slogans to Legal Rules*, Oxford University Press, New York.
- Dworkin, Ronald, (1978), *Taking Rights Seriously*, Harvard University Press.
- Klabbers, Jan, (2013), *International Law*, Cambridge University Press, Cambridge.

- Sands, Philippe, Peel, Jacqueline, (2012), *Principles of International Environmental Law*, Cambridge, Cambridge University Press.

- Zander, Joakim, (2010), *The Application of the Precautionary Principle in Practice*, Cambridge, University Press Cambridge.

Articles

- Akelaitis, Letcher, (2014), "The Supreme Court of Canada Applies The Precautionary Principle", Retrieved from: http://www.laal.ca/wpcontent/uploads/2014/02/ScanPage_20140206095840_00000001_20140206_0958556947_20140206_0958579094.pdf, Accessed: 6/10/2017.

- Bassiouni, Cherif, (1990), "A Functional Approach to General Principles of International Law", *Michigan Journal of International Law*, Vol. 11.

- Bodansky, Daniel, (2004), "Deconstructing the Precautionary Principle" in Caron, David D., Scheiber, Harry N. (eds.), *Bringing New Law to Ocean Waters*, Leiden, Martinus Nijhoff Publications.

- De Sadeleer, Nicolas, (2000), "The Enforcement of the Precautionary Principle by German, French and Belgian Courts", *Review of European, Comparative & International Environmental Law*, Vol. 9, No.2.

- Feintuck, Mike, (2005), "Precautionary Maybe, but What's the Principle? The Precautionary Principle, The Regulation of Risk, and the Public Domain", *Journal of Law and Society*, Vol. 32, No. 3.

- Hollo, Erkki, (2007), "Finland" in De Sadeleer, Nicolas (ed.), *Implementing the Precautionary Principle Approaches from the Nordic Countries, EU and USA*, London, Earth Scan.

- Kavi Kumar, K.s., (2007), "Precautionary Principle, Center of Excellence in Environmental Economics, Dissemination Paper", Retrieved from: <http://coe.mse.ac.in/dp/Precaution-Kavi.pdf>, Accessed: 8/10/2015.

- McIntyre, Owen, Mosedale, Thomas, (1997), "The Precautionary Principle as a Norm of Customary International Law", *Journal of Environmental Law*, Vol. 9, No.2.

- Michanek, Gabriel, (2007), "Sweden" in De Sadeleer, Nicolas (ed.) *Implementing the Precautionary Principle Approaches from the Nordic Countries, EU and USA*, London, Earth Scan.

- Pellet, Alain, (2006), "Art. 38" in Zimmermann, Andreas, et al. (eds.), *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, Oxford University Press, New York.

- Peterson, Deborah C., (2006), "Precaution: Principles and Practice in Australian Environmental and Natural Resource Management", *50th Annual*

Australian Agricultural and Resource Economics Society Conference, Manly.

- Ruessmann, Laurent A, (2002), "Putting the Precautionary Principle in its place: Parameter for the Proper Application of a Precautionary Approach and the Implications for Developing Countries in Light of the Doha WTO Ministerial", *American University International Law Review*, Vol. 17.

- Sache, Noah M., (2011), "Rescuing the Strong Precautionary Principle from Its Critics", *University of Illinois Law Review*, Vol.4.

- Sandin, Per, et al., (2002), "Five Charges against the Precautionary Principle", *Journal of Risk Research*", Vol. 5, No. 4.

- Sirinskiene, Agne, (2009), "The Status of Precautionary Principle: Moving Towards a Rule of Customary Law", *Jurisprudence*, Vol. 4.

- Trouwborst, Arie, (2009), "Prevention, Precaution, Logic and Law: The Relationship between the Precautionary Principle and the Preventative Principle in International Law and Associated Questions." *Erasmus Law Review*, Vol. 2, No.2.

- Voight, Christina, (2008), "The Role of General Principles in International Law and their Relationship to Treaty Law", *Retfaerd Nordic Journal of Law and Justice*, Vol. 31.

- VanderZwaag, David, (2013), "The ICJ, ITLOS and the Precautionary Approach: Paltry Progressions, Jurisprudential Jousting", *University of Hawai'i Law Review*, Vol. 35, No. 2.

Cases

ICJ Cases:

-Case concerning North Sea Continental Shelf, Germany v. Denmark & Netherlands, 1969.

-Case concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Nicaragua v. US, 1986.

-Case concerning Nuclear Tests Case, Australia & New Zealand v. France, 1995.

-Case Concerning Gabcikovo-Nagymaros Project, Hungary v. Slovakia, 1997.

-Case concerning Pulp Mills on the River Uruguay, Argentina v. Uruguay, 2010.

ITLOS Cases:

-Southern Bluefin Tuna case, New Zealand v. Japan; Australia v. Japan, 1999

-Mox Plant case, Ireland v. United Kingdom, 2001

-Land Reclamation by Singapore in and around the Straits of Johor, Malaysia v. Singapore, 2003

-Advisory Opinion on Responsibilities and Obligations of States Sponsoring persons and Entities with Respect to Activities in the Area, 1 Feb. 2011.

EU Cases:

- Case 53/80, 1981 E. C. R. (Nisin Case; Koninklijke Kaasfabriek Eysen BV).
- Case 174/82, 1983 E. C. R. (Sandoz Case).
- Case C-435/93, 1994, E.C.R. I-67 (wild bird Case; Association Pour la Protection des Animaux Sauvages et préfet de maine et loire de Prefet de la laire-Atlantique).
- Case C-180/96, UK. v. Commission, 99 E.C.R. I-8105 (mad cow Case).
- Case T-13/ 99 (Pfizer Case).
- Case T- 70/99, 2002 E. C. R. II- 3495 (Alpharma Case).
- Case T-74/00 (Artegodan Case).
- Case C-236/01, 2003 E.C.R. I-8150 (Monsanto Case).
- Case C-127/02, 2005, E.C.R. I 6515 (Wadenzee Case).
- Case C-14/06 and Case C-295/06 2007, E.C.R. I-7441 (Electrical and electronic equipment Case).
- Case T-229/04 Sweden v Commission, 2007 E.C.R. I-2437 (Paraquat Case).
- Case C-77/09 (Gowan Case).
- Case T-333/10 (Animal Trading Company Case).
- Case C-269/13 P (Acino Case).
- Joined Cases C-358/14, C-477/14 and C-547/14(Electronic Cigarettes Cases).

Other Cases

- Supreme Court of Canada, Castonguay Blasting Ltd. v. Ontario (Environment), 2013, Retrieved from: https://www.elaw.org/system/files/castonguay_en_0.pdf, Accessed: 7/10/2017.
- Supreme Court of India, Narmada Bachao Andolan v. Union of India and Others, 2000, Retrieved from: <http://www.narmadaandolan.org/wp-content/uploads/2016/04/SC-18.10.2000-2000-10-SCC-664.pdf>, Accessed: 8/10/2017.
- Supreme Court of India, Vellore Citizens' Welfare Forum v. Union of India and Others, 1996, Retrieved from: <https://indiankanoon.org/doc/1934103/>, Accessed: 8/10/2017.

Documents

- Court of justice of European Union, (2016), CJEU press release No. 48/16. Luxembourg.
- Summary of the Communication from the EU Commission on the precautionary principle, 2001.